

# آهای آدمها

## برای تسویه حساب همگانی با امپریالیسم آمریکا

سیاست کجدار مریز آقای « کاخ سفید »! دیپلماسی شل کن سفت کن امپریالیسم ویرانگر آمریکای شمالی در اوضاع و احوال جاری جهان بوی جنگ می دهد، جنگی بزرگ و احمقانه برای فرار از حقایق تلخ، بحرانی همه جانبه و ساختاری، اقتصادی و اجتماعی... جهت استمرار مالکیت خصوصی، دیوانسالاری دارایی و ثروت. قشقرق ستاد فرماندهی اوباش حکایت از آن دارد که دنیای « آزاد »! بسامان نیست، اقتصاد دلاری - وال استریتی متداول در دوران معاصر مختل شده، رژیم کارچاق کنی، تنزیل خوری، از نفس افتاده، در آستانه فروپاشی است. می رساند که نظم مستقر، دمکراسی توطئه و حقه بازی... زار و نزار، مثل سابق نمی گردد، اشتغال ایجاد نمی کند، با نیروی مولد، دست و ماشین، کار و سرمایه، با مولفه های ساختاری خود نمی سازد، جوش نمی خورد، رشد اقتصادی، افزایش سرانه تولید، ارزش افزائی، سرمایه سازی، بالندگی و ابتکار، فردانگری به سود زیست جمعی را اجازه نمی هد... در یک کلام، امپراتوری پول، در قله « اختیار »! منفور و منزوی، پا در هواست، سامان نمی گیرد، تکرار نمی شود، به هیچ صراتی مستقیم نیست. خانه از پای بست ویران است...

در اینصورت، عجیب نیست که آقای ترامپ، سرمایه ناطق، دیوانه یا « عاقل »! هیچ فرقی نمی کند - نگران امنیت دلار، رژیم تنزیل خوری در سطح ملی و بین المللی، آرام و قرار ندارد. این جانور چموش، اهلی فدرال رزرو، شرکت سهامی وال استریتی: شاهد اوج نا آرامی ها، جنبش کارگری - ترقی خواهی در شرق و غرب و شمال و جنوب، خروش خلق ها، طغیان ملت ها... ناظر مهارت و کارائی، پیشرفت رقیبان تازه نفس، برآمد نسبتا نیرومند چین و هند و روسیه و برزیل و اتیوپی و کره... منفور و منزوی، درد می کشد، یک درد بی درمان... پرخاش می کند، امروز می گوید و فردا پس می گیرد، با افزایش و کاهش نرخ تبدیل دلار در بازار بورس، شنگول می شود و غضب می کند. عبری می غرد و با صیهونیسیم جام می زند، عربستانی می رقصد با سلافیسم می لاسد. فرمانروا، تحفه بلوند آمریکا، در اوج « اقتدار »! با کلی محافظ... انگشت روی ماشه، عربده می کشد، ناسزا می گوید، نفس کش می طلبد. گرفتار عدم تحرک اقتصادی مزمن، پس رفت ماندگار اشتغال، ارزش افزائی سرمایه، تنزل قهری نرخ سود... مثل سگ هار، پارس می کند. ولی سیاست کجدار مریز، دیپلماسی شل کن سفت کن... تا ابد نمی پاید. ناگفته نماند که فراخوان تروریستی جورج بوش ( اکبر ) در مورد « نظم نوین جهانی »! طرح اشغالگرانه جورج بوش ( اصغر ) در مورد « خاورمیانه بزرگ »! لشکر کشی، کشور گشائی، ویرانگری، کشتار جمعی... هنوز در دستور کار کاخ سفید قرار دارد.

فراموش نکنیم که امپریالیسم آمریکا: با بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی، دارنده و سازنده و فروشنده انواع سلاحهای ویرانگر، وسایل تعرضی، آماده و ذخیره، هسته ای و شیمیایی و میکروبی و بیولوژیک، زمینی و دریایی و هوایی و فضایی، امکانات وسیع ارتباطی، کلی پایگاههای فعال برون مرزی، یک ارتش حرفه ای منظم، نیرومند و حاضر به یراق + گروههای تروریستی پراکنده... آدمکشان نیابتی و قیامتی؟! این سگ هار، تروریست قهار، سوار بر اسب لنگ و بیمار دمکراسی، رخس بالدار ناتو، تا نمیرد، آرام نمی گیرد. این غول کلفت و بیقواره، منفور و منزوی، مقاصد شومی دارد. امپراتوری « پول و زور »! میلیتاریسم کور، قانونگریز مشهور، دشمن عقل و شعور، حق و آزادی و استقلال... لاشخور نه می خواهد و نه می تواند زبانی خوش داشته باشد، در ذات خود ستیزه جوست. خواب نوعی فرمانروایی واحد، خودکامگی مطلق می بیند، جهاتسالاری را حق خود می داند...

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست تا امپریالیسم آمریکا را از این « حق »! مالکیت و فرمانروایی مطلق محروم کنیم...

## گر چرخ به کام ما نگرَدد      کاری بکنیم تا نگرَدد

آهای آدمها، ساده لوحی برازنده ما نیست، در این ارتباط، تاریخ سخت گیر است، ساده لوحان را هرگز نمی بخشد. بوی جنگ به مشام می رسد، جنگی بزرگ، تمام عیار، میان غول های کلفت، انحصارات همه فن حریف، کمپانیهای حریص، کارتل های نفتی، شرکت های مادر و خواهر و خواهرزاده، نهادهای پولی و مالی، محافل صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات برای کنترل بازار بین المللی، تمام منابع طبیعی، همه ذخائر مواد خام و انرژی... کنترل کار و ابزار و محصول، مکانیسم ارزش آفرینی، مهار زیست جمعی انسان ها، دستاوردهای بشری، تسلط بر تولید و بازرگانی جهان. بکوشیم تا بازیگران گستاخ، فضول و فعال و انقلابی دوران خود باشیم...

دلایل و شواهد زنده ای وجود دارد - از اشغال یوگسلاوی و سومالی و افغانستان و عراق و لیبی و مالی... در این یکی دو دهه اخیر گرفته تا ظهور تروریسم «اسلامی»! گسترش ماجراجویی، تحریک و تحریم، تهدید و تجاوز، ویرانگری، کشتار، ترور خلق ها، اختناق ملت ها، اشاعه خشونت، کشمکش های مذهبی، نژاد پرستی، خارجی هراسی، بیگانه ستیزی... مبنی بر اینکه دنیای «آزاد»! غرق بحران، زار و نزار، متعادل نیست. قرانن نشان می دهد که داده های نوین دیگر در قالب ها و ساختارهای کهن نمی گنجند، مرکز ثقل تولید، کشاورزی و صنعت و بازرگانی، از غرب به شرق منتقل شده است، گواهی می دهد که آرایش نیروهای بین المللی، کار و سرمایه، بازمانده دوران منقضی، عهد رقابت اردوگاهی، زد و بندهای پشت پرده، دیپلماسی سری... دوره «جنگ سرد»؟! دیگر با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای ریز و درشت سرمایه داری هماهنگی ندارد. باز جغرافیای سیاسی جهان در شرف تغییری خوشنوبر قرار گرفته...

آزموده را آزمودن خطاست. دیپلماسی شل کن سفت کن امثال ترامپ نمی پاید. توپ و تشر این تاجر احمق + ۱۲۰۰ میلیارد دلار، ۵۰٪ در صد آن تخفیف مالیاتی به بخش خصوصی و مابقی سرمایه گذاری دولتی جهت ترمیم راهها و جاده ها و پل ها، افزایش موقت اشتغال و کشش تردد وسائل موتوری در سطح ملی فقط برای فریب افکار عمومی و آرام کردن پشت جبهه بسیاق هیتلر و شرکاء در دوران منقضی است...

بوی جنگ به مشام می رسد، جنگی بزرگ، تمام عیار، میان غول های کلفت، کارتل های نفتی، کمپانی های انحصاری، شرکت های مادر و خواهر و خواهرزاده، نهادهای پولی و مالی، محافل صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات، برای کنترل بازار بین المللی، تمام منابع طبیعی، مواد خام و انرژی... مهار زیست جمعی، تسلط بر تولید و بازرگانی جهان در دوران معاصر.

از شما چه پنهان که اقتصاد جنگی، تولید برای اهداف نظامی، بخاطر ماجراجویی، تعرض و اشغال، ویرانگری، کشتار جمعی... میلیتاریسم افسار گسیخته برای ترور و اختناق و سرکوب، مهار خلق ها و ملت ها، جنبش کارگری در سطح ملی و بین المللی، کنترل مدعیان سمج، رقیبان قدیمی و جدید در شرایط اضطراری، هنوز فعال و پا برجاست، در دستور کار کاخ سفید قرار دارد. استراتژی آقای «فدرال رزرو»! دیوانسالاری ثروت، مطلوب اشراف، مرگانیسیم و بیل گیتیسیم و گوگلیسیم و آمازونیسیم... را دنبال می کند. مابقی حرف مفت است.

بیخود نیست که امپریالیسم کلفت آمریکا - مدعی « جهانسالاری »! تنها می تازد، خود سرانه، بنام همه کشورهای جهان تصمیم می گیرد، طرح و برنامه ریزی می کند، برای این و آن خط و نشان می کشد، در مورد تمام مسائل کلیدی... حرف آخر را می زند. آقای « کاخ سفید »! شریک نمی پذیرد، رقیب نمی خواهد... بفکر کنترل جهان است. امپراتوری پول، در ذات خود مطلق گراست. قانون نمی شناسد، حساب پس نمی دهد. چطور؟ خیلی ساده است. چون امپراتور، از هر قماش... اینجا خودکامگی مطلق پول، بقول مارکس، ثروت عام، نوعی دارایی « محض »!؟ تابع نظم و قانون، مطیع دولت، امپراتوری را نفی می کند.

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست که با امپریالیسم ویرانگر آمریکا تسویه حساب کنیم...

رضا خسروی